

دیدارهای نوروزی رئیس جمهوری

آیت‌الله موسوی اردبیلی: مقامات دادگستری نباید داخل احزاب و گروههای سیاسی باشند

نظامه سینماها

هایان بیرون گذاشت اورده است، و دن دست
مطبوعات و ادوار و تولیدیون
همچوچه با فوئنیزمن متریک اسلام‌آباد
نیست. داشنچه‌خوان عزیز، راه انتشار
روشنکار داشتگانی غیر متعبد را
نرود و از مردم خود راجحا سازید.
در مورد مطبوعات و اداره تولیدیون
تجاذیون یکی
ل. و یا حکم
د. هژار و بیمه
ب. مرکز مردم
ب را مرسیو

نکند و من از هلت امیر
مرحله‌نمای مه که وقتی تقویت
کنند و این مملکتی است که
خدمتکار پاین مملکت پاد
سال نو
پیام بیان

آنکه باشد باید محل برور استعفای خود را دریافت کرد و این میتواند ممکن باشد. ممکن دارا میشود که علوفه کند و آن که سوده باشد، آنکه علوفه کند و آن که تولید درست خواهد بود.

علوفه جهودی در ایوان گفت: «امیر از اتفاقات که در اطاعت میباشد باید خوش اهل و ملن پیوسته باشد و وجود موبق شده، اینکه قدر قدری میتواند میخواهد شود.

نهاده ایوان اسما

سفر و کارگران و نایابان ایوان میباشند کشور های خارجی در ایوان یاری دریج نهضت و زیرخودی را باشند و سال رو راهی و دیوی و دیوی جهودی بپیش کنند. آنها ایوان را پرداختند و میتوانند اینکه ایوان میتوانند اینکه ایوان میتوانند

امروز و هر روز - برئمه ثوروز

A black and white portrait of Ahmad Shamlou, an Iranian poet and writer. He is shown from the chest up, wearing a dark suit jacket over a light-colored shirt. He has dark hair and is looking slightly to his left with a thoughtful expression. The background is plain and light-colored.

مشاهدات یک روزنامه نگار
انگلیسی از مدرنترین زندان شاه



برچم: پروردگار ایرانزاده

بود گرامیادشت، حتی کنم از سخنواران را ندوب من گردید
و من هم قدر بخوبی می‌بدم بعده سخنواران را ندوب من گردید
بود، بمعیت کاری از من ساخته بود، اولو بند تنهک یعنی
جهانگران امرایی را که در جمهوری اسلامی ایران خوش
راست جا خوش کردند، مادرم از فرقه اهتماط ایشان است
خود را از دسترس شاهنشاهی دور نمی‌گردید، کاچکوگاهه کاچویی
پسرانش می‌توانوار، از سیزه مخالف داشت و نشان
دارد از اینکه می‌شکند که تعلیم خود را از دست بدند، در
حکم آذربایجان این سلطنت درون گرفت که کنکانیان
شند دارد در مردم نسبت نسبتاً مفربه از اهلان گذاشت، از خاندان
کاچکوگاهه اولوه نشک برگاسه سرخود طراحت بود، ادا با
اهتماط تمام پایست آزاد خود لو لم ایگانه زدم موموری
که مردمست چلو شسته بود، از این عمل من می‌صبانی
دند و چکو چکم کشاد بالا و اولهای او فریاده و گلیل آباد محمد چدین
هست، ترس و گلکانی ام فریاده و گلیل آباد محمد چدین
برآمد شد بود.

بر علیه واد تابهاد شنید شهر عدماهی است که
تردت چاچنایه‌هدیم شود، البته شهود کنکانی نظری طریمان
هم در همین سیمرگ سوار گرفت بیکن اهلیت چند ایگانه دارد،
تریت چشم خوب بچشم ایگانه، تنهک زیرا در ایگانه ساز و برق
اصفهان ایاده ایگانه و بگاهی ایگانه، تنهک زیرا در ایگانه ایاده ایگانه
و رد هرات گفتند تا ایگانه، و ده بـ تنهکند، ایـ شنید

